



مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ  
حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٧﴾



## پژوهه‌ای دربارهٔ آیین ابراهیمی یا دین حنیف

احمد عثمان

ترجمه: حمیدرضا غریب رضا

مقدمه

قرآن کریم در توصیف شخصیت حضرت ابراهیم (ع) می‌گوید: ایشان جزو مشرکان نیستند و همچنین تصریح می‌کند، حضرت ابراهیم یهودی یا مسیحی نبوده؛ بلکه ایشان «حنیف» بوده‌اند.

در میان روایات و مصادر اولیه تاریخ اسلام، سخن از وجود گروهی با اعتقاداتی ویژه در شبه جزیره عربستان است. این گروه که قبل از اسلام در این منطقه می‌زیستند، همان گروندگان به آیین ابراهیمی یا دین حنیف هستند. ولی با وجود این تصریحات، برخی خاورشناسان آن را نپذیرفته‌اند. اینان اصرار دارند، که واژه حنیف را نوعی ویژگی و صفت، تفسیر کنند و آن را نام آیین مستقلی نمی‌دانند.

فرانسو دیه پولس، یکی از باورمندان به این اندیشه است. همایشی با عنوان «پژوهش‌های باستانی در جهان غرب» در تاریخ ۲۰ تا ۲۲ جولای ۱۹۹۹ در لندن برگزار شد. او در این همایش ادعا کرد، حنیفیان قبل از اسلام یک فرقه دینی نبوده‌اند. این پژوهشگر انگلیسی، اصرار داشت ثابت کند این پندار، اشتباهی علمی از جانب تاریخ نویسان اسلامی بوده و ریشه

این اشتباه تاریخی به فهم نادرست دانشمندان اسلامی از واژه قرآنی حنیف، بازگشت دارد. او بعد از بیان کاربرد واژه حنیف در آیه‌های قرآن، واژه‌های مشابه را در زبان‌های قدیمی دیگر با معانی مختلف، بررسی کرد و توضیح داد:

«أحنف» در زبان عربی به معنای انسان لنگ و معادل واژه «أعرج» است. در حالی که واژه «حنبا» در زبان سریانی، به شخص بت پرست یا غیر معتقد به آیین مسیح اطلاق می‌شود. در زبان عبری معنای کلمه «حانیف» انسان منافق و دو چهره است. و مفهوم فعل «حنف» نجس شدن می‌باشد.

سپس به معنای سریانی کلمه «حنبا» استناد کرد و گفت:

در کاربرد سریانی این واژه، منظور دلالت بر امت‌هایی است که در برابر بنی اسرائیل قرار دارند، در قرآن هم واژه حنیف دقیقاً به همین معنا به کار رفته است. منظور این نیست که ابراهیم به آیینی ویژه منتسب است، بلکه پیام قرآن این است که ابراهیم جزو یکی از امت‌هاست و از بنی اسرائیل نیست.

### آیین ابراهیم

کلمه حنیف و جمع آن «حنفاء» در قرآن کریم، برای بیان دین حقیقی یا توحید به کار می‌رود، و نقطه مقابل شرک و بت پرستی است. در تمام هشت مورد کاربرد قرآنی بر ملت ابراهیم یعنی دین ایشان، دلالت دارد:

إِنَّ اِبْرَاهِيمَ كَانَ اُمَّةً قَانِتًا لِلّٰهِ حَنِيفًا مَّسْلَمًا وَّ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ؛ (نحل، ۱۶/۱۲۰)  
 مَا كَانَ اِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَّ لَا نَصْرَانِيًّا وَّ لَكِن كَانَ حَنِيفًا وَّ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ؛ (آل عمران، ۳/۶۷)  
 اِنِّي وَّجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَّ الْاَرْضِ حَنِيفًا وَّ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ؛ (انعام، ۶/۷۹)  
 قرآن اسلام را نیز همان دین حنیف می‌خواند و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌گوید: قُلْ اِنِّي هِدَانِي رَبِّيْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ دِيْنًا قِيَمًا مِّلَّةً اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا وَّ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ؛ (انعام/۱۶۱)  
 همچنین نوع تبلیغ پیامبر اسلام (ص)، دعوت به پیروی از آیین حنیف و ابراهیمی بود: و مِنْ اَحْسَنِ مِمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَّ هُوَ مُّحْسِنٌ وَّ اتَّبَعَ مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا وَّ اتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا ؛ (نساء، ۴/۱۲۵)

قُلْ صَدَقَ اللّٰهُ فَاتَّبِعُوْا مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا وَّ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ؛ (آل عمران/۹۵)

«حنفاء» جمع واژه «حنیف» هم، در سوره حج به معنای مسلمانان به کار رفته است:

و أذن في الناس بالحج يأتوك رجالا و على كل ضامر يأتون من كل فج عميق... حنفاء لله غير مشركين به...؛ (حج، ۲۲/۲۷ و ۳۱)

### اشعار ابن ابی الصلت

تصریح قرآن به یکسان بودن دین اسلام و آیین ابراهیمی باعث شده تا پژوهشگران در این مسأله با پرسش‌هایی روبرو شوند. اگر آیینی که پیامبر اکرم (ص) در آغاز سده هفت میلادی مبلّغ آن بوده همان دین ابراهیمی باشد، و با توجه به این که در حدود بیست و دو قرن قبل، حضرت ابراهیم به این دین ایمان آورده، ناچار باید معتقد شویم دین حنیف زمانی پابرجا بوده و دارای پیروانی که امکان شناخت آنان وجود دارد.

پژوهشگران به ویژه در دوران معاصر کوشیده‌اند به پاسخ این پرسش دست یابند. آیا در متون به دست آمده از دوران قبل از اسلام، نکته‌هایی اثبات‌گر چنین دینی مشاهده می‌شود یا خیر؟ آن‌ها به تعداد زیادی از شعرهای دوران جاهلیت برخورده‌اند که بیانگر وجود چنین فرقه‌ای است. از آن قبیل اشعار امیه بن ابی الصلت است. امیه شاعر عرب زبانی است از قبیله ثقیف، او در آغاز دعوت پیامبر اسلام، در طائف زندگی می‌کرد و یک سال قبل از وفات پیامبر از دنیا رفت. او در این مدت مسلمان نشد و همچنین زمان تدوین و تکمیل قرآن را درک نکرد. در برخی از قصیده‌هایش از دین حنیف سخن می‌گوید، و این دین را به تنها دینی توصیف می‌کند که تا روز قیامت باقی می‌ماند. او در شعرهایش از خدای یکتایی سخن می‌گوید که سید بندگان است. درباره فرشتگان و مملکت ربّ و روز حساب و بهشت و جهنّم هم کلماتی دارد. چنین مسائلی در شعرا او هماهنگ با عقاید قرآنی است که با تفصیل بیشتر بیان شده است.

در همین موضوع در میان اشعار جاهلی در مورد عابد حنیف قصیده‌ای وجود دارد. این قصیده سروده جیران العود است. او از تبار نمیر بوده و در نجد زندگی می‌کرده. اسلام را نمی‌شناخته، با این حال واژه «تحنّف» را به معنای ذکر شده در کتاب لسان العرب، یعنی انجام دادن مناسک دینی به کار برده است.

با همه این شواهد، باز هم پژوهش‌گران غربی اصرار دارند وجود آیین حنیف قبل از اسلام را انکار کنند. آنها معتقدند واژه حنیف در اشعار جاهلی به مسلمانان اشاره دارد و منظور گروه دینی ویژه‌ای قبل از اسلام نبوده است. حتی برخی از آنها بر این باورند که واژه

حنیف در دوره‌های قبل از اسلام دلالت بر مشرکان داشته نه بر انسان‌های یکتاپرست! آن‌ها بر باور خود این گونه استدلال می‌کنند:

واژه سریان‌ی حنابا، واژه مقابل حنیف در زبان عربی است. و کاربرد آن برای دلالت بر مشرکان است نه موحدان.

برخی دیگر از محققان غربی معتقدند حنیفیان فرقه‌ای بوده‌اند که در جنوب شبه جزیره عربستان زندگی می‌کردند. این منطقه زیستگاه گروه‌های یهودی و مسیحی بوده و به اعتقاد آنان آموزه‌های این گروه‌ها بر اندیشه برخی از اعراب تأثیر فراوان گذاشته است. ولی دست نوشته‌های پیدا شده با این اندیشه توافق ندارد، زیرا بسیاری از نوشته‌های باستانی که در آن‌ها نامی از حنیف برده شده از شمال شبه جزیره کشف شده‌اند نه جنوب.

جلیوس فلهاوزن، پژوهشگر تورات شناس آلمانی (م ۱۹۱۸ م) معتقد بود این واژه در اصل به برخی از افراد یک گروه دینی اطلاق می‌شده، ولی او بر این باور بود که این گروه دینی جمعی از زاهدان مسیحی بوده‌اند. ادله‌ای وجود دارد که اثبات می‌کند حنیفی‌ها وضو می‌گرفتند، نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند و شراب نمی‌نوشیدند، در حالی که بسیاری از عبادت‌گران مسیحی شراب می‌نوشند و این کار را جزو آداب دینی خود می‌دانند (مانند آداب عشای ربانی).

### متطهرون

خاورشناسان اصرار دارند وجود گروهی به نام حنیفیان را قبل از اسلام انکار کنند، آن‌ها ادعا می‌کنند تاریخ نگاران اسلامی بدون ذکر هیچ دلیلی این گروه را ساخته و پرداخته‌اند. ولی یک اکتشاف مهم باستانی در ابتدای قرن بیستم روشن کرد گروهی دینی، به نام حنیفیان وجود داشته‌اند که از قرن پانزدهم قبل از میلاد یعنی دوران حضرت ابراهیم (ع) زندگی می‌کردند. این اکتشاف بیان کرد معنای کلمه «حنفین»، «متطه‌رین» یعنی پاکیزگان از راه وضوگرفتن است.

در سال ۱۹۰۵ باستان شناس انگلستانی، فلیندرز بیتری، بقایای ارزشمندی را در معبد «سرایط خادم» در سینا به دست آورد. این معبد بعد از پانزده کیلومتری شمال غرب دیر «سانت کاترین» و کوه موسی (ع) قرار دارد. معبد، درون غاری در بالای کوه است که در مقابل آن محلی برای اجتماع ساخته شده. این باستان شناس در برابر قربان‌گاه، مقدار زیادی

## ● خاورشناسان اصرار دارند وجود گروهی به نام حنیفیان را قبل از اسلام انکار کنند، آن‌ها ادعا می‌کنند تاریخ نگاران اسلامی بدون ذکر هیچ دلیلی این گروه را ساخته و پرداخته اند.

خاکستر یافت که در اثر سوزاندن قربانی‌ها در آنجا جمع شده بود و بر روی قربانی‌ها، وسیله کوچکی برای تولید بخور قرار داشت.

ولی در این میان مهم‌ترین کشف بیتری «حنفیه» بود. واژه حنفیه در دوران ابتدای اسلام به ظرف‌های آبی اطلاق می‌شد که مسلمانان قبل از ورود به مسجد برای وضو گرفتن از آن استفاده می‌کردند. در زمان‌های گذشته این واژه به حوض‌های پرآبی اطلاق می‌شد که در ورودی مسجدها برای وضو گرفتن می‌ساختند. بر اثر گذشت زمان شکل حنفیه تغییر کرد و به صورت ظرفی درآمد که دارای شیر آب بود. امروزه هم این واژه بر همان شیر آب اطلاق می‌شود و گاهی هم به مکانی در مسجد اطلاق می‌شد که برای وضو گرفتن مهیا شده است. باستان شناس انگلیسی در کشف خود سه حوض را یافت که عبادتگران آن ناحیه جهت وضو از آن استفاده می‌کردند. یکی از حوض‌ها مستطیل شکل بود و در کنار در بیرونی معبد جاسازی شده بود.

حوض دوم دایره شکل بود و در سالن مخصوصی در مدخل معبد جای داشت و حوض سوم که مستطیلی بود، درون سالنی قرار داشت که بعد از آن چهار ستون قرار می‌گرفت. این حوض‌ها در مسیر ورود به معبد جاسازی شده بودند و هر کدام برای شست و شوی قسمت مشخصی از بدن به کار می‌رفتند. این مناظر که مشابه آداب وضو در بین مسلمانان بود، توجه بیتری را به خود جلب کرد. او در این باره می‌گوید:

این گونه آداب مشابه آداب جدیدی است که مسلمانان برای وضو گرفتن به کار می‌برند. در مساجد اسلامی حوض بزرگی یا یک حنفیه در وسط سالن اصلی جاسازی می‌شود، و وضو در اسلام یکی از آداب دینی همراه با نماز است که قسمت مهمی از عبادت را شامل می‌شود. بنابراین وجود حوض‌هایی در سالن‌های معبد سینا نشان‌گر سابقه دار بودن این آداب حتی قبل از یهودیت و اسلام است.

اهمیت این اکتشاف باستانی تنها در این نیست که نشان می‌دهد حنفیه و وضو بیست و پنج قرن قبل از ظهور اسلام شناخته شده بوده‌اند، بلکه این اکتشاف نشان می‌دهد که این مسائل در زمان حضرت ابراهیم خلیل و فرزندان ایشان که در مدین ساکن بودند اتفاق افتاده؛ یعنی آنان این آداب را می‌دانستند و به آن عمل می‌کردند.

پی‌گیری این بحث روشن می‌کند، بین این طایفه دینی و اهالی مدین پیوستگی مهمی وجود دارد. اهالی مدین در آن زمان در شمال حجاز و جنوب شبه جزیره سینا زندگی می‌کردند. قدیمی‌ترین مصادر تاریخی و جغرافیایی مربوط به آغاز دوران مسیحیت گویاست که مدین نام شهری در شمال حجاز و در شرق خلیج عقبه، بوده است. این مطلب در کتاب یوسفیوس آمده است. او تاریخ نگار یهودی بوده که در قرن اول میلادی می‌زیسته. هم‌چنین در کتاب های تاریخی یونان و روم هم یک چنین نکته‌ای ذکر شده است.

در نامه‌های ابن اسحق هم از شهر مدین نام برده شده. او می‌نویسد:

پیامبر اکرم (ص) یک گروه جنگی را به رهبری زید بن حارثه به این شهر فرستاد.

برخی از شاعران عرب هم از این شهر یاد کرده‌اند آن را جایگاه راهبان دانسته‌اند. مدین همان شهری است که محمد بن حنفیه فرزند امیر مؤمنان علی (ع) در راه مسافرت به شام از آن دیدار کردند. مدین در آن زمان یکی از استراحت‌گاه‌های مسافران در میانه راه بوده است. از نظر مسافت هم کاروان‌ها، فاصله تبوک تا مدین را در عرض شش روز طی کردند.

به نظر می‌رسد شهر کنونی مدین تمام آن چیزی است که از سرزمین قدیمی مدین باقی مانده است. در بین مصادر قدیمی نکاتی وجود دارد، بیانگر این که تمامی منطقه شرق خلیج عقبه در شمال حجاز، «مدین» نام داشته. در حوالی بیست و پنج کیلومتری بندر مقنا، در خلیج عقبه بقایایی باستانی به نام غارهای شعیب قرار دارد و درون این غارها تعدادی مقبره وجود دارد.

باستان‌شناسان عربستان در دیگر نقاط قدیمی مدین هم آثاری مشابه این حوض‌ها یافته‌اند که در نزدیکی عبادتگاه‌ها ساخته شده است.